

مقدمه‌ای بر رویکرد دانش‌محور در تبیین فرآیند کارآفرینی

■ سیدجلال موسوی بازرگانی

دانشجوی دکتری مدیریت، کارشناس ارشد مهندسی صنایع

jmoosavi@yahoo.com

حال تغییر است. دانش برای همه فعالیت‌های انسانی یک شرط لازم محسوب می‌شود. به عبارت دیگر افراد بدون داشتن دانش قادر به فعالیت و واکنش در مقابل تغییرات محیطی نخواهند بود.

مفهوم دانش در ارتباط نزدیکی با مفاهیمی همچون مغز و حافظه قرار دارد. در واقع در هر گونه تعامل انسانی با محیط اطراف داده‌هایی به واسطه اندام‌های حسی دریافت و اطلاعات و دانش تولید شده ناشی از پردازش آنها در حافظه و مغز انسان ذخیره می‌گردد. دانش ساختار یافته ذهنی مرتبط با فرصت‌های اقتصادی به مثابه اصلی‌ترین سرمایه و آورده کارآفرین در فرآیند کارآفرینی، موضوعی است که در رویکرد دانش‌محور مورد تأکید است.

به عبارت دیگر رویکرد دانش‌محور بر این فرض استوار است که با درک جزئیات مربوط به تولید، انباشت و استفاده از دانش حوزه‌ای می‌توان عملکرد افراد را در آن حوزه (نظیر کارآفرینی) توضیح داده و پیش‌بینی نمود.

حافظه انسانی

الگوهای مختلفی برای تبیین حافظه انسانی به عنوان محل ذخیره و پردازش دانش ارائه شده‌اند. اغلب حافظه انسانی به سه زیرسیستم حافظه کوتاه مدت، بلند مدت و حافظه پردازشی تقسیم‌بندی می‌گردد. به علاوه مرسوم است که فرآیندهای اصلی در هر یک از این انواع حافظه به صورت دریافت، ذخیره و بازیابی دسته‌بندی گردند. در رویکرد دانش‌محور، مطالعه و تبیین پدیده‌هایی همچون کارآفرینی، حافظه پردازشی و حافظه بلندمدت از اهمیت بیشتری برخوردارند. چرا که حافظه بلندمدت را محل اصلی ذخیره



افراد، رویکرد شخصیت‌محور^۲ بوده است که در سالهای اخیر و به موازات انتقادات صورت گرفته، مهجور باقی مانده است.

از جمله رویکردهای جدید و جایگزین رویکرد قبلی، می‌توان به رویکرد دانش‌محور اشاره نمود. در این رویکرد نموده‌های عینی فعالیت کارآفرین که به صورت نوآوری و تأسیس سازمان‌ها و شرکت‌های جدید جلوه می‌کنند را نتیجه دستاورد و پیامد فعالیت‌های ذهنی وی، روی داده‌ها و اطلاعات می‌دانند.

در این مقاله تلاش می‌شود چارچوب کلی رویکرد دانش‌محور در تشخیص کارآفرینان تشریح گردد.

دانش و دانش‌موموری

دانش به صورت اطلاعات قابل استفاده در شرایط معین تعریف شده است. دانش نتیجه پویایی در ساختار شناختی و ذهنی افراد است، بنابراین در یک فرد معین به صورت مداوم در

مکیده

در این مقاله تلاش شده است تا چارچوب کلی رویکرد جدیدی با عنوان رویکرد دانش‌محور در شناخت کارآفرینان^۱ ارائه گردد. این چارچوب شامل چهار عنصر ساختار دانشی، فرآیندها و سبک فکری و عوامل پیش زمینه‌ای است. با در دست داشتن چنین چارچوبی امکان طراحی ابزارها و برنامه‌های مساعدت فکری به کارآفرینان میسر خواهد بود. به عنوان مثال طراحی محتوا و فرآیند دوره‌های آموزش کارآفرینی را می‌توان با هدف بهبود و ارتقای ساختار دانشی مخاطبین در حوزه تشخیص و عمل روی فرصت‌ها بنا نهاد. به علاوه ارزیابی برنامه‌های آموزش کارآفرینی را می‌توان بر مبنای میزان تغییر و بهبود در چنان ساختار دانشی و یا بهبود در استفاده توامان از ساز و کارهای دو گانه پردازشی^۱ و نیز تأثیرگذاری روی عوامل پیش زمینه‌ای انجام داد.

این مقاله فقط با هدف ارائه چارچوب کلی بحث نوشته شده است و نگارنده امیدوار است در مقالات آتی هر یک از حوزه‌ها را به طور مفصل‌تر مورد بررسی قرار دهد.

واژه‌های کلیدی

اکتشاف، نوآوری، دانش‌محور، مطالعات شناختی، کارآفرینی، الگوهای ذهنی.

مقدمه

شناخت کارآفرینان به عنوان عاملین تشخیص و اقدام روی فرصت‌های اقتصادی، به دلیل نقش محوری که در توسعه اقتصادی دارند، موضوع پژوهش‌های متعددی بوده است. این پژوهش‌ها بارویکردهای مختلفی صورت گرفته‌اند. بیشترین رویکرد در تفکیک کارآفرینان از سایر آحاد و

1. Ambidexterity

2. Personality Approach

این پردازش‌ها می‌توانند به صورت ارادی/ غیرارادی، تحلیلی/شهودی، خودآگاه/ناخودآگاه باشند.

مهارت کارآفرینان در تشخیص و عمل روی فرصت‌ها را می‌توان بر حسب سرعت، کیفیت و دقت تعامل دو سویه بین حافظه کوتاهمدت و بلندمدت آنها سازماندهی کرد. بر این اساس می‌توان مفهوم جدیدی با عنوان تخصص کارآفرینی را در تشخیص کارآفرینان لحاظ نمود. از ویژگی‌های این مفهوم این است که قابلیت اندازه‌گیری دارد و همچنین می‌تواند توسعه داده شود.

سبک‌های شناختی^۹

سبک‌های شناختی توسط برخی پژوهشگران با عنوان سبک‌های یادگیری و سبک‌های فکری شناخته شده‌اند. منظور کلی از سبک در مطالعات شناختی توجه به جنبه عادت‌ی و ترجیحی انجام فعالیت‌های ذهنی است. به عبارت دیگر سبک فکری/ یادگیری نشان دهنده تفاوت‌های باثبات فردی در انجام پردازش‌های تولیدی و اکتشافی است. سبک فکری به همراه مهارت فکری روی عملکرد افراد مؤثر است. در این مورد سبک عموماً بر نحوه (شکل) عملکرد و مهارت بر سطح (محتوای) عملکردی مؤثر خواهند بود.

تقسیم‌بندی‌های مختلفی از سبک‌های شناختی وجود دارند. این تقسیم‌بندی‌ها عموماً دو قطبی هستند که هر قطب با عناوین مختلفی شناخته می‌شوند. به طور مثال در یک طبقه‌بندی سبک‌های تحلیلی/ شهودی از یکدیگر تفکیک می‌گردند.

کارآفرینان عموماً از سبک فکری شهودی برخوردارند که متضمن استفاده از میانبرها^{۱۰} و خطاهای منطقی^{۱۱} است.

پردازش و تولید دانش

ساختار دانشی افراد از ماهیتی پویا برخوردار است که نتیجه فرآیندها در حافظه کوتاهمدت آنهاست. این فرآیندها را در ساده‌ترین صورت می‌توان به دو دسته پردازش‌های تولیدی و پردازش‌های اکتشافی تقسیم‌بندی نمود. هر یک از این دسته پردازش‌ها شامل فرآیندهایی می‌گردند که مهمترین آنها عبارتند از:

پردازش‌های تولیدی

- بازیابی؛
- تقریب؛
- ترکیب؛
- تبدیل؛
- تحویل؛
- تقلیل.

پردازش‌های اکتشافی

- خصلت‌یابی؛
- تفسیر مفهومی؛
- تعبیر کارکردی؛
- انتقال محیطی؛
- آزمون فرض؛
- جستجوی محدودیت‌ها.

ساختار یافته دانش حوزه‌ای می‌داند. همچنین معلوم شده است که روی دانش انباشته در حافظه بلندمدت می‌توان تقسیم‌بندی بیشتری به صورت دانش عینی و دانش ضمنی اعمال نمود.

انواع دانش

همانگونه که اشاره شد حافظه بلندمدت محل ذخیره دانش است. مطالعات صورت گرفته در حوزه روانشناسی شناخت نشان داده است که در واقع صور مختلفی از دانش وجود دارد و تقسیم‌بندی‌هایی نیز ارائه شده است. در یک طبقه‌بندی دانش به دو حوزه دانش اظهاری و غیر اظهاری تقسیم‌بندی می‌شود. منظور از دانش اظهاری دانشی است که قابل بیان و توضیح است. این دانش را می‌توان مترادف با دانش عینی نیز دانست. دانش اظهاری شامل دانش مفهومی و دانش رویدادی می‌شود. دانش غیر اظهاری که عموماً آن را با دانش ضمنی مترادف می‌دانند شامل دانش روشی یا رویه‌ای^۱ است.

دانش با صورتهای ذکر شده در حافظه انسانی به شکل شبکه‌ای از مفاهیم متناظر با چیزها، ویژگی‌ها، حالات، روابط و مشخصات زمانی و مکانی انباشته می‌شود. چنین انباشته‌های منظم دانش به صورت الگوهای ذهنی^۲، طرح‌واره‌ها^۳، چارچوب‌های مرجع^۴ و اسکریپت‌ها^۵ مفهوم‌سازی شده است.

دانش مفهومی در تشخیص فرصت و دانش رخدادی در عمل روی فرصت از اهمیت بیشتری برخوردارند. به عبارت دیگر بسیاری از رفتارهای عینی کارآفرینان در حین تجهیز منابع و تأسیس سازمان تحت تأثیر اسکریپت‌های سه گانه تمایلات^۶، توانمندی‌ها^۷ و ترتیبات^۸ قرار دارد.



1. Procedural
2. Mental Models
3. Schemata
4. Frames of Reference

5. Scripts
6. Willingness Scripts
7. Ability Scripts
8. Arrangement Scripts

9. Cognitive Styles
10. Heuristics
11. Cognitive Biases

مرحله توسعه فعالیت اقتصادی	مطالعات (سال)	نوع مطالعه	سطح تحلیل	جنبه‌های شناختی	مفاهیم یا متغیرهای کلیدی
پیش از تأسیس	گالورید (۱۹۹۷)	تجربی	فردی	محتوی	نگرش، کنترل، نیت
	بوزنیتز و لاو (۱۹۹۶)	نظری	فردی	محتوی / فرایند	فرهنگ، میابرها، طرح واره‌ها
	کروجرانو برازیل (۱۹۹۴)	نظری	فردی	محتوی	درجه مطلوبیت، امکان پذیری
	بوید و وزیرکیس (۱۹۹۴)	نظری	فردی	محتوی	خودکارآمدی، نیت
	کروجرانو برازیل (۱۹۹۳)	تجربی	فردی	محتوی	تجربیات کارآفرینانه
	مک گرت و مک میلان (۱۹۹۲)	تجربی	فردی	محتوی	باورها، فرهنگ، اشتباهات
	کازن (۱۹۹۲)	نظری	فردی	محتوی / فرایند	میابرها، نیت
بیرد (۱۹۸۸)	نظری	فردی	محتوی / فرایند	نیت	
در حال تأسیس	جنکینز و جانسون (۱۹۹۷)	تجربی	فردی	محتوی	نیات، رشد
	گیت وود و دیگران (۱۹۹۵)	تجربی	فردی	محتوی	اسنادات، پشتکار
	گوپر و دیگران (۱۹۸۸)	تجربی	فردی	محتوی	خوش بینی، عوامل موفقیت
پس از تأسیس (بررسی اجمالی)	پاینما و دیگران (۱۹۹۸)	تجربی	فردی	فرایند	شدت جستجو، وسعت
	لانگ (۱۹۹۷)	تجربی	فردی	فرایند	فرصتها و تهدیدها، هوشیاری
	بوزنیتز (۱۹۹۶)	تجربی	فردی	فرایند	تجربه
	گوپر و دیگران (۱۹۹۵)	تجربی	فردی	فرایند	تجربیات، آشنایی، جستجو
	موهان نلی (۱۹۹۵)	تجربی	سازمانی	فرایند	اندازه و سابقه شرکت، بررسی محیط
	هارنسن و دیگران (۱۹۹۴)	تجربی	فردی	فرایند	بررسی اجمالی نیروی کار، نوآوری
	بروش (۱۹۹۲)	تجربی	سازمانی	فرایند	رسمیت منابع، عملکرد
	گایش و گیلاد (۱۹۹۱)	تجربی	فردی	فرایند	هوشیاری، کلیه‌های اطلاعاتی
	اسجافر (۱۹۹۰)	تجربی	سازمانی	فرایند	راهبرده، رسمیت منابع
	اسمئندر (۱۹۸۸)	تجربی	فردی	فرایند	نیات، رسمیت منابع
	جانسون و کونن (۱۹۸۷)	تجربی	فردی	فرایند	اندازه شرکت، جستجو در محیط
	اسپیچد (۱۹۸۷)	تجربی	سازمانی	فرایند	تحمل ابهام
	بارون (۱۹۹۸)	نظری	فردی	محتوی / فرایند	پیش خطاها، اسنادات
بوزنیتز و یارنی (۱۹۹۷)	تجربی	فردی	فرایند	میابرها	
وین سنت (۱۹۹۶)	تجربی	فردی	فرایند	نژاد، سیاستهای تصمیم‌گیری	
مائی مالا (۱۹۹۲)	تجربی	سازمانی	فرایند	نوآورانه، میابرها	
پالچ و یگ بای (۱۹۹۵)	تجربی	فردی	فرایند	طبقه بندی، فرصتها	
الن هاردت (۱۹۸۹)	تجربی	سازمانی	فرایند	سرعت تصمیم‌گیری، عملکرد	
اسمیت (۱۹۸۸)	تجربی	فردی	فرایند	اندازه شرکت، جامعیت	
هیل و لون هاجن (۱۹۹۵)	نظری	سازمانی	فرایند	استعارات، مدل‌های ذهنی	
جرسیک (۱۹۹۴)	تجربی	سازمانی	فرایند	گلمبندی و تغییرات سازمانی	
گارتنر (۱۹۹۲)	نظری	سازمانی	فرایند	هم پایی	
بیرد (۱۹۹۲)	نظری	سازمانی	فرایند	مقاطع زمانی	

جدول ۱. مطالعات دانش محور در حوزه کارآفرینی

عوامل زمینه‌ای

منظور از عوامل زمینه‌ای عوامل فردی و عمل مؤثرند. مهمترین عوامل فردی که به صورت زمینه‌ای در پویایی ساختار دانش فردی مؤثر هستند عبارتند از: انگیزه‌های فردی؛ عواطف فردی. در یک جمع‌بندی رویکرد دانش‌محور در بررسی کارآفرینان متضمن توجه بر دسته عوامل دانش و نیز در بروز دانش به صورت تصمیم و نظام ارزشی فرد؛

1. Predispositions

زیر بر چگونگی تشخیص و بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی توسط کارآفرینان است:

- عوامل زمینه‌ای؛
- ساختارهای دانشی؛
- فرآیندها و سبک‌های فکری.
- سبک‌های فکری

مطالعات شناختی در موزه کارآفرینی

با توجه به تأثیر نظام شناختی و ساختار دانشی افراد در تصمیم‌گیری و عمل، بدیهی است که حوزه مطالعات کارآفرینی نیز ناگزیر از توجه به این رویکرد در تبیین پدیده کارآفرینی بوده است. در این مطالعات برخی از سؤالات مهم عبارتند از:

- آیا می‌توان کارآفرینان را بر اساس تفاوت‌های فکری/شناختی (مشمتمل بر پیش زمینه‌ها، ساختار، فرآیندها و سبکها) از سایر افراد تفکیک نمود؟
- کدام فرآیندهای ذهنی در تشخیص فرصت‌های کارآفرینی مؤثرند؟

■ خطاهای منطقی چه نقشی در فرآیند کارآفرینی دارند؟

از زاویه‌ای دیگر مطالعات شناختی کارآفرینان در پی جستجوی توضیحی دانش‌محور بر مفاهیمی بوده است که در ارتباط با پدیده کارآفرینی اهمیت زیادی دارند. مهمترین این مفاهیم فرصت‌طلبی، خلاقیت و نوآوری، تمایل به مخاطره و مخاطره‌پذیری و رشد طلبی میان کارآفرینان هستند. به هر حال مطالعات شناختی کارآفرینان رویکرد جدیدی محسوب می‌گردد که طی سالهای اخیر علاقه و توجه جدی بین پژوهشگران کارآفرینی ایجاد کرده است.

در جدول ۱ برخی از مطالعات قبلی و سازه‌های تحقیقاتی مورد استفاده در آنها ارائه شده است.

کاربردها

مطالعه ذهنیت، تفکر و شناخت کارآفرینان بیش از هر چیز می‌تواند در تفکیک کارآفرینان از سایر افراد و طراحی برنامه‌های آموزش کارآفرینی مورد استفاده قرار گیرد. در واقع یک سؤال با اهمیت برای اغلب مربیان کارآفرینی تفاوت این آموزش‌ها با سایر صور آموزشی است.

نتایج مطالعاتی که تاکنون صورت گرفته است نشان می‌دهد که سبک‌های فکری و یادگیری معینی بین کارآفرینان شایع‌تر است. بنابراین رویکرد اصلی در طراحی برنامه‌های آموزشی باید در تناسب با چنان سبک‌هایی انتخاب گردد. همچنین فرآیندهای فکری و به خصوص اشتباهات و خطاهای ذهنی که کارآفرینان بیش از سایرین در معرض آنها هستند، به عنوان مبنایی برای انتخاب محتوای درسی هستند. از سوی دیگر تشکیل و توسعه ساختارهای دانشی (شامل

تمایلات، توانمندی‌ها و ترتیبات)، حالات ذهنی (نیت کارآفرینی) و نتایج ذهنی (خود کارآمدی) و تصمیم به کارآفرینی) معیارهایی هستند که بر اساس آنها می‌توان ثمربخشی و کارآیی دوره‌های آموزش کارآفرینی را سنجید.

منابعی برای مطالعه بیشتر

1. "Forbes, D. (1999), Cognitive Approaches to New Venture Creation, International Journal of Management Reviews, vol. 1, issue 4, pp. 415-439
2. "Hindle, K. (2004), Choosing Qualitative Methods for Entrepreneurial Cognition Research: A Canonical Development Approach, Journal of Entrepreneurship Theory & Practice, Baylor Univ. USA
3. "Baron, R.A. & T.B. Ward, (2004), Expanding Entrepreneurial Cognition's Toolbox: Potential Contributions from the Field of Cognitive Science, J. of ET&P, Baylor Univ. , USA
4. "Mitchell, R. et. Al., (2002), Toward a Theory of Entrepreneurial Cognition: Rethinking the People Side of Entrepreneurship Research, J. of ET&P, Baylor Univ. , USA

